



رئیس‌جمهور آمریکا توییت رسانه‌های سعودی درباره حمله آشوبگران به کنسولگری ایران در کربلا را باز نشر کرد

عجب گافی!

افشای پروژه محرمانه آمریکا برای تخریب عراق

صفحات ۲ و ۳



شهادت مظلومانه هاجم حسن عسکری؛ از اسلیت و آغاز امامت حضرت مهدی موعود در اشد باش می‌گویم

تیتراهای امروز

گزارش «وطن امروز» از مهم‌ترین فیلم‌های متقاضی حضور در سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر و جزئیاتی که برای اولین بار می‌خوانید

واقعا جشنواره!



صفحه ۵

کدام شهر میزبان بازی عراق - ایران می‌شود؟

سه، صفر به نفع امنیت

صفحه ۶

گزارش «وطن امروز» درباره دلایل شکست راهبردهای تحریم و حمله نظامی

چرا آمریکا محتاج مذاکره با ایران است؟

رادان وایدن، سناتور ایالت اورگان: اجازه دهید از گزینه استفاده از زور عبور کنیم؛ گزینه نظامی به قیمت خون و مال تمام خواهد شد

صفحه ۷

نسل پنجم ضد آمریکایی

میلیون‌ها ایرانی به همراه دانش‌آموزان دیروز در سراسر کشور چهلمین سالروز تسخیر لانه جاسوسی را جشن گرفتند

صفحه ۲

عکس: محمد عسکری پور



نگاه

شعاری به مثابه پیش‌آگهی آنشی به مثابه آیین

شروین طامری |

چله «انقلاب دوم» هم از راه رسید، در حالی که «روز استیکارستیزی» همچنان حال و هوای خود را برای خیلی‌ها در ایران و حتی دیگر کشورهای جهان حفظ کرده، چرا که «مرگ بر آمریکا» در دنیای برابر که هنوز هم بیش از اندازه آمریکایی است، چالشی حقیقی برای مردمی مستضعف با آزاده محسوب می‌شود که نمی‌خواهند زیر چرخ‌های سرمایه‌داری یا در آشوب و جنگ له شوند یا کزختی زندگی مصرفی بود و باش‌شان را منجمد کند. نشان به آن نشان که این هفته در دست ۱۵ کشور همسایه، منطقه یا دور دست، مراسمی مردمی به مناسبت سالروز ۲ نوامبر برگزار شده است؛ از همایش‌های سوسیالیستی کوبا و ونزوئلا تا آتش زدن آدمک عمو سلم و پرچمش در پاکستان و اندونزی. به شکلی غیررسمی تر هم صدها تریبون رسانه‌ای و دانشگاهی موافق یا مخالف با پرداختن به آن واقعه تاریخی و پیامدهایش، خواسته یا ناخواسته به آنچه «مرگ بر آمریکا» پیش‌آگهی می‌داد، اعتبار می‌بخشد.

۴۰ سال پیش در روز چهارم نوامبر ۱۹۷۹، دانشجویانی از نسل اول انقلاب، ۹ ماه پس از به ثمر نشستن انقلاب اسلامی و سرنگونی تاج و تخت طاغوت داخلی، با تسخیر سفارت ایالات متحده در خیابان تخت جمشید آن زمان تهران، جهانی جریانی فرامرزی را برای سرنگونی سلطه جهانی امپریالیسم گذاشتند. جریانی که یک دهه بعد با فاش شدن نظریه‌های مارکسیستی و سقوط بلوک شرق بر آمده از آن که مهم‌ترین مدعی ایستادگی در برابر کارتل جهانخوار انگلو-اشکنازی بود، تبدیل به پیکه‌تاز میدان مقابله با تک‌قطبی ویرانگر آمریکایی شد. امروز میراث آنهایی که از دیوار ساختمان سفارت آمریکا بالا می‌رفتند، به نسلی رسیده که دیوارهای هژمونی آمریکایی را در منطقه و جهان درمی‌نورند. امروز در جهان «پسا آمریکا» و در روزگاری که شعاریات آنتی‌سین حرکتی که امام خمینی (ره) آن را «انقلاب دوم» خوانده بود، در حال عینیت یافتن در جهان پیرامون ما است، دیگر نمی‌توان با بهانه‌جویی‌های دیپلماتیک و روشنفکرانه‌مانند نسبت به شعار «مرگ بر آمریکا» با شعور مخاطب بازی کرد، آن هم در حالی که در خود واکنش‌گتن، بحث افول و سقوط امپریالیسم آمریکایی، تازه از حلقه متفکران به عرصه عمومی سرایت کرده است. مهم‌ترین تحلیلگران درباره بی‌اعتباری دولت آمریکا می‌نویسند و پرمخاطب‌ترین شبکه‌ها ابعاد این دیدگاه را می‌پررکنند.

ادامه در صفحه ۶

چرا آمریکا محتاج مذاکره با ایران است؟

رهبر حکیم انقلاب در دیدار روز یکشنبه بار دیگر از استراتژی آمریکا مبنی بر اصرار و پافشاری برای کشاندن طرف ایرانی پای میز مذاکره سخن گفتند. حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای «اصرار آمریکایی‌ها برای مذاکره با ایران» را به این دلیل عنوان کردند که آمریکایی‌ها نشستن مقامات ایرانی پشت میز مذاکره را به معنای به زانو درآوردن جمهوری اسلامی می‌دانند. ایشان همچنین افزودند: اگر مسؤولان جمهوری اسلامی ساده‌لوحی می‌کردند و به مذاکره می‌رفتند، فشارها و تحریم‌ها هیچ چیزی کم نمی‌شد، بلکه راه برای طرح رسمی توقعات و تحمیل‌های جدید آمریکایی‌ها باز می‌شد. اما چرا آمریکایی‌ها در شیوه تقابل با ایران به «منظور تغییر رفتار ایران» به استراتژی فشار و امتیاز از طریق دیپلماسی رسیدند؟

در پاسخ به این سوال باید گفت راه تقابل و مواجهه آمریکا با ایران در ۳ گزاره زیر خلاصه می‌شود: اول آنکه آمریکا که اولین ارتش جهان را اختیار دارد، وارد جنگ نظامی با ایران شود. گزاره دوم، حفظ و تشدید نظام تحریم‌های فعلی است. سومین راه هم مذاکره و گرفتن امتیاز بیشتر است. گزینه نظامی به دلیل تبعات غیرقابل کنترل آن و در واقع به جهت قدرت نظامی ایران، برای آمریکایی‌ها غیر عملی و پرهزینه است.

ماجرای هدف قرار گرفتن پهباد آمریکایی و «بی‌عملی» آمریکا نشان داد عملاً این گزینه و یا حتی تهدید به حمله نظامی از دستور کار مقامات آمریکایی کنار گذاشته شده است. بنیامین نتانیاهو با آگاهی از همین موضوع، پنجشنبه گذشته در کابینه خود گفت آنها نباید انتظار داشته باشند آمریکا علیه ایران دست‌کم برای یک‌سال آینده اقدامی جدی انجام دهد.

البته گزینه نظامی از جمله مواردی بوده است که مقامات و کارشناسان آمریکایی در برهه‌های مختلف درباره امکان به کارگیری و استفاده از آن صحبت کردند اما نتیجه‌گیری بحث‌ها در این باره کنار گذاشته شدن گزینه نظامی در مواجهه با ایران بوده است.

رادان وایدن، سناتور دموکرات ایالت اورگان در جریان جلسه سنا در تاریخ ۹۴/۲/۲۸ که موضوع حمله به ایران در بین نمایندگان کنگره و سناتورها داغ شده بود، دلایل چرایی عدم توانایی آمریکا در حمله به ایران را بیان کرد: «عدم‌ای معتقد به نابودی زیرساخت هسته‌ای ایران از طریق نیروی نظامی هستند. طرفداران استفاده از زور به حمله اسرائیل به راکتور اوسیراک صدام در سال ۱۹۸۱ و نابودی راکتور سووریه بر اثر حمله اسرائیل در سال ۲۰۰۷ اشاره می‌کنند.

طرفداران گزینه نظامی تصور می‌کنند گروه کوچکی از بمب‌افکن‌های آمریکا می‌توانند با استفاده از بمب‌های سنگرشکن حملات محدودی انجام دهند. این حرف آنهاست و می‌گویند آمریکا می‌تواند

به آسانی حلقه اصلی چرخه سوخت هسته‌ای در ایران را بشکند و برنامه هسته‌ای ایران را ۳ تا ۵ سال به عقب بازگرداند. این تحلیل ساده‌ای است. کارشناسان نظامی تصویر بسیار متفاوتی ترسیم کردند. من همه همکاران در اینجا را ترغیب می‌کنم تحلیل حملات پیشگیرانه علیه تاسیسات هسته‌ای ایران را که دهم سپتامبر ۲۰۱۱ تجدید چاپ شده است، بخوانند.

این تحلیل می‌گوید در پی این کارزار عناصر بسیار پیچیده تهاجمی و دفاعی قرار دارد. در اینجا تعداد کمی از آنها را بیان می‌کنم. راهبرد وسیع‌تر این است که سیستم رادار و موشک‌های ضد هوایی ایران را از بین ببریم. راهبرد وسیع‌تر این است که باید موشک‌های بالستیک ایران و دیگر تسلیحاتی را که ایران می‌تواند برای حملات تلافی‌جویانه به کار برد، از بین ببریم. یک مسأله روشن است. مسیر جنگ نامعلوم و غیرقابل پیش‌بینی است. آنچه ما می‌توانیم اطمینان داشته باشیم این است که پیچیدگی و آشوب جنگ بسیار ضرر خواهد داشت.

مسئله این است که ما در این ماهیت هر نبرد است. تاریخ معاصر شواهد کافی دارد: از اینکه گزینه نظامی که ابتدا ساده به نظر می‌آمد، می‌تواند کنترلش بسیار دشوار و هزینه‌بر باشد، از خود این پرسش را بپرسید که کدام رهبر آمریکا تصور می‌کرد تلاش ما برای از بین بردن اردوگاه آموزشی تروریستی در افغانستان و بی‌ثبات کردن دولت این کشور منجر به ۱۴ سال اشغال، هزاران کشته و تعداد بشمارای معلول و از دست رفتن خزانه ملی بیش از یک تریلیون دلار می‌شود؟ از خود این پرسش را بپرسید که کدام رهبر آمریکا تصور می‌کرد حمله به عراق برای از بین بردن تسلیحات کشتار جمعی خیالی که این کشور را از هم پاشید، موجب تقویت ایران و به وجود آمدن داعش می‌شود؟ علاوه بر این استفاده از گزینه نظامی به جای کاهش، موجب افزایش عزم ایران برای دستیابی به سلاح هسته‌ای خواهد شد. مقامات ایران پس از حمله تصمیم خواهند گرفت اولویت



باید آنها دستیابی به سلاح هسته‌ای است به طوری که آمریکا و هیچ کشور دیگری جرات حمله مجدد به ایران را نداشته باشد. بنابراین اجازه دهید از گزینه استفاده از زور عبور کنیم. گزینه نظامی به قیمت خون و مال تمام خواهد شد.

در مورد حفظ نظام تحریم‌ها و تشدید آن، باید گفت وضعیت تحریم‌های آمریکا علیه ایران در شرایط موجود اصطلاحاً به نقطه «اکسترم» و شدیدترین شرایط تحریمی قابل اجرا رسیده است. شدیدترین تحریم‌ها که از سوی آمریکایی‌ها با عنوان «تحریم‌های فلج‌کننده» یاد می‌شد با وضع تحریم‌های سیسادا در سال ۲۰۱۱ وارد مرحله جدیدی شد و عملاً با تحریم نیروی نظامی ایران یعنی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سال جاری به نقطه پایانی رسیده است.

هر چند تحریم سپاه پاسداران از جهت تشدید فشار اقتصادی تأثیری بر ایران نداشت با این حال تحریم نیروی نظامی یک کشور بیابگر آن بود که مهرای در کیسه تحریم‌های آمریکا باقی نمانده است.

«ریچارد فیو» کارشناس آمریکایی مسائل تحریم‌ها به این خاصیت بودن تحریم‌های بیشتر علیه ایران اشاره کرده است: «این تحریم‌ها در واقع یک تحریم اقتصادی است. تحریم‌های آمریکا علیه سپاه پاسداران منابع مالی سپاه پاسداران قطع شده‌اند، نوشته است: «این یکی دیگر خیلی عجیب است. ما امروز سپاه را تحریم کردیم؛ وای پس! این خیلی گام بزرگی است. البته اگر بالغ بر یک دهه قبل همین کار را نکرده بودیم، بانک مرکزی چطور؟ ای کاش این یکی هم در لایحه بودجه دفاعی سال ۲۰۱۲ تحریم نشده بود!»

علاوه بر این خو گرفتن ایران با شرایط تحریمی و دست پیدا کردن به شیوه‌های دور زدن تحریم و همچنین اتکا به توان داخلی و قطع وابستگی به نفت سبب می‌شود از نقطه عطف فشار تحریم‌ها با گذر زمان کاسته شود. اما آمریکا چگونه از مذاکره با ایران

می‌تواند سود ببرد؟ برای پاسخگویی به این سوال باید به شیوه مذاکراتی آمریکا توجه کرد. رهبر معظم انقلاب ۲۲ مرداد ۹۷ فرمول مذاکراتی آمریکا را بیان کردند. ایشان تأکید می‌کنند که آمریکایی‌ها پیش از مذاکرات اهداف اصلی خود را مشخص می‌کنند و در جریان مذاکرات از این اهداف یک قدم عقب نمی‌نشینند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بیان فرمول مذاکراتی آمریکا فرمودند: «آمریکایی‌ها برای مذاکره فرمول خاصی دارند که باید آن را درک کرد و سپس به این سؤال پاسخ داد که آیا هیچ آدم عاقلی با این فرمول مذاکره می‌کند؟ حقیقت مذاکره در عرف سیاسی «داد و ستد» است؛ آنها در هر مذاکره به پشتوانه قدرت سیاسی، تبلیغاتی و مالی خود تلاش می‌کنند هر گونه مقاومت در مقابل تحقق اهداف‌شان را ناکام بگذارند. در تسریع فرمول مذاکره به سبک آمریکایی‌ها، آنها اولاً اهداف اصلی را کاملاً مشخص می‌کنند البته همه این اهداف را اعلام نمی‌کنند اما در طول مذاکرات با دبه و چانه‌زنی، همه اهداف را پیگیری می‌کنند. نکته دوم اینکه آمریکایی‌ها از این اهداف اصلی یک قدم عقب نمی‌نشینند. آمریکایی‌ها در مذاکرات با الفاظ ظاهر اطمینان‌بخش فقط وعده می‌دهند اما از طرف مقابل امتیازات نقد می‌خواهند و وعده نمی‌پذیرند. هر جای مذاکره اگر طرف مقابل از دادن امتیاز نقد رسانه‌ای در جهان راه می‌اندازند که معمولاً طرف مقابل کم می‌آورد و دچار انفعال می‌شود. آنها پس از مذاکرات نیز به راحتی زیر وعده‌ها می‌زنند و به آنها عمل نمی‌کنند.

البته برخی خطوط قرمز تعیین شده در آن رعایت نشد. با توجه به فرمول آمریکایی‌ها در مذاکره، هر دولتی در جهان با آنها مذاکره کند، دچار مشکل می‌شود مگر جهت‌گیری‌هایش با واشنگتن یکی باشد که البته دولت فعلی آمریکا حتی به اروپایی‌ها هم زور می‌گوید. ما فقط وقتی می‌توانیم وارد بازی خطرناک مذاکره با آمریکا شویم که از لحاظ اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به اقتدار مورد نظرمان برسیم و فشارها و هوجم‌گری‌های او نتواند در ما تأثیر بگذارد اما در حال حاضر مذاکره قطعاً به ضرر ما تمام می‌شود و ممنوع است.»

بسیار ۳ گزینه واضح نتیجه مذاکره با آمریکا است که مذاکره پافشاری می‌کنند. ترامپ گفته بود بالاخره مقامات ایرانی تن به مذاکره با آمریکا می‌دهند. در حاشیه اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل، حسن روحانی که مذاکره با کشوری که خلف وعده می‌کند را «حماقت» خوانده بود تا استانه مذاکره با ترامپ پیش رفت، با این حال شیفتگان مذاکره باید پاسخ دهند عایدی آنان از نشست و برخاست با آمریکا بر سر موضوع هسته‌ای چه بوده است که نشست و برخاست دوباره را طلب می‌کنند و طرح همه‌پرسی برای آن می‌چینند؟

نکته

ملت پاندول شما نیست!

حسن رضایی |

فاصله میان حرف و عمل، کم نیست و به گمانم، شش‌دانگ تمام فریب‌های تاریخ در همین فاصله غلط‌انداز رخ داده‌اند. اصلاً اگر هر کسی آنچنان که می‌گفت بود، یحتمل بشر در زندگی، روز ناخوش نمی‌دید یا لاقال صدی نود گرفتاری‌هایش حل شده بود. امسان اما از این فاصله‌های منحوس و مصیبت‌بارا بشر شیرخام خورده، خوب یا بد، غیب نمی‌داند، ناصیه‌خوانی بلد نیست و کارش آرمودن سرد و گرم و تلخ و شیرین‌هاست. لذا تلخ را جای شیرین و سرد را جای گرم فروختن به او سکه رایجی است. سال ۹۲ وقتی یکی می‌گفت «آنچنان رونق اقتصادی ایجاد کنم که مردم اصلاً... الخ»، رسانه‌های اصلاح‌طلب چنان پروپاگاندایی ایجاد کردند که ذره‌ای تردید کردن در ایجاد قطعی «آنچنان رونقی که...» هم کم شجاعت نمی‌خواست. بسا پیش رفتن تاریخ، نقد ایسن رویکرد که بی‌شبهات به خیالپردازی‌های «الیس در سرزمین عجایب» نبود، سخت و سخت‌تر شد، گفتند ۱۰۰۰ ال‌سی در روز نخست اجرای برجام باز شده! آقای عراقچی خبرنگاران را به اتافی که چند کامپیوتر داشت برد تا ثابت کند تحریم تسویه‌ت تمام شده و ما واصلیم! ۲۰۳۰ هم گزارش مفصل داد، گفتند بعد برجام هر روز یک گشایش داریم، منتقدان هم هوجمی‌ها، بی‌شناسنامه، بی‌سواد و بزدل سیاسی‌اند. به خودشان هم ۱۰۰ تا ۱۰۰۰ تا سکه دادند از بیت‌المال بابت این همه شهامت که داشتند و بزدل سیاسی نبودند مثل بقیه، وقت شمردن جوجه‌ها که رسید اما به جای «آنچنان رونق اقتصادی» و «رفع پالمه همه تحریم‌ها»، گفتند ما جام اخلاقی را در فضای بین‌الملل بالای سر برداییم. حکایت آن مقدسی که همسایه‌اش از گرسنگی جان می‌داد، او اما هر روز از ثواب عظیم نماز جعفر طیار و نافله شب برایش حدیث می‌کرد!

این شیرین‌نمایی و تلخ‌فروشی‌ها اما به مدد مدعیان عقلانیت و آزادی(ا) هنوز هم قرار نیست پایانی داشته باشد. چهره‌ها و رسانه‌های اصلاح‌طلب همزمان با تلاش رو به تصاعدشان برای فاصله‌گذاری با شاهکارهای حسن روحانی... ادامه در صفحه ۶

شماره آینده وطن امروز
شنبه ۱۸ آبان
منتشر می‌شود